

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، پاییز 89

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University

اعجاز تشریحی قرآن

دکتر محمدرضا ابراهیم نژاد*

چکیده

اهمیت اعجاز و اعجاز تشریحی قرآن از میزان حضور و تأثیرگذاری قرآن در جامعه بشری قابل ارزیابی است و با توجه به توسعه روزافزون علوم، بررسی و تبیین اعجاز تشریحی قرآن امری ضروری است. البته پژوهش در مسئله اعجاز قرآن دارای سابقه‌ای دیرینه است اما اعجاز تشریحی قرآن مورد توجه شایان نبوده، در حالی که قرآن کریم این مسئله را مورد تأکید قرار داده است. با عنایت به اینکه این موضوع مسئله‌ای میان رشته‌ای و دارای صبغه‌های کلامی و تفسیری است، در این مقاله راه‌های اثبات اعجاز تشریحی قرآن طی می‌گردد. نخست آنکه قوانین و شرایط قرآن دارای ویژگی‌های فرابشری و اعجازی است. دوم قوانین و شرایط قرآن متأثر از تورات نیست بلکه بر شرایط تورات فائق است و سوم آنکه شرایط قرآن از معایب و نارسایی‌های قوانین عرفی میرا و وارسته است و با این همه توسط پیامبر اسلام (ص) که فردی «امی» و درس‌نخوانده بود، بیان شد و این دلیل واضحی بر اعجاز و الهی بودن قرآن است.

واژگان کلیدی: اعجاز، تشریح، قرآن، عرف.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

Ebrahimnejad64@yahoo.com

مقدمه

اگر بخواهیم مسئله «اعجاز و اعجاز تشریحی قرآن» را ارزیابی کنیم کافی است که به میزان حضور و تأثیرگذاری قرآن در سراسر جهان توجه کنیم. به حقیقت هیچ کتابی نیست که به اندازه قرآن مورد مطالعه قرار گیرد، یا مخاطبان مختلف داشته باشد؛ افرادی بی‌شمار آن را قرائت کنند؛ مشتاق شنیدن آن باشند و با ترنم آن اشک بریزند و کسانی هم کینه شدید از آن در دل داشته باشند. رمز همه این امور و راز تمام این شگفتی‌ها «اعجاز قرآن» است.

در این مقاله هدف اثبات اعجاز قرآن نیست، بلکه هدف عمده طرح آن بخش از اعجاز قرآن است که از سوی برخی قرآن پژوهان در حد اشاره یا اندکی مورد توجه قرار گرفته و برخی به هیچ وجه به آن نپرداخته یا آن را منتفی شمرده‌اند و آن «اعجاز تشریحی» قرآن است در حالی که توجه به این موضوع و طرح آن در عصر حاضر به چند دلیل ضروری و لازم است از جمله آنکه:

1. شرایط حاکم بر علوم انسانی و مراکز آموزشی به گونه‌ای است که برخی منحصراً محصول فکر و اندیشه نظریه‌پردازان مادی و غربی را علم، می‌پندارند و غیر از آن همه چیز از جمله معارف و احکام قرآن را انکار می‌کنند یا مورد تردید قرار می‌دهند.

2. پژوهش‌های علمی مستمر، همواره زندگی بشر را بیش از پیش توسعه می‌دهد و عرصه‌های جدیدی از هستی و حیات را می‌گشاید. این وضعیت اقتضا می‌کند که از ذخایر عجیب و جواهر غریب قرآن که پایان‌ناپذیر و تمام ناشدنی است (نهج البلاغه، خطبة 18) بهره‌برداری لازم انجام گیرد.

بدین منظور در آغاز بحث، مراد از اعجاز تشریحی و پیشینه تاریخی و پژوهشی آن در مباحث اعجاز قرآن را تبیین و بررسی می‌کنیم، سپس جلوه‌های اعجاز قرآن را در قوانین و

احکام تشریحی آن به طرق و روش‌های ممکن تقدیم خواهیم نمود.

مراد از «اعجاز تشریحی»

عنوان «اعجاز تشریحی» از دو واژه «اعجاز» و «تشریح + ی» ترکیب شده که هر یک از آنها تعریف و کاربردهای مستقلی دارند و در منابع لغوی و مباحث کلامی، فقهی و حقوقی به تفصیل بررسی می‌شود. در اینجا به اجمال و اختصار به تعریف هر عنوان می‌پردازیم تا مراد از اعجاز تشریحی به دست آید.

تعریف اعجاز: هرچند دانشمندان اهل کلام عبارت‌های مختلفی در تعریف اعجاز و معجزه به کار برده‌اند اما در معنا و مراد می‌توان گفت بر این عقیده‌اند که: «اعجاز امری خارق عادت است که به وسیله مدعی مقام نبوت برخلاف قوانین عادی و جاری طبیعت و به منظور اثبات ادعای رسالتش انجام می‌گیرد. منوط به اینکه مقارن با تحدی و دعوت به مبارزه و عجز و ناتوانی دیگران از آوردن همانند آن باشد» (رضوانی، ص 13).

تعریف تشریح: تشریح در لغت به معنای قانونگذاری است. (زحیلی، ص 11) که اگر از جانب ادیان باشد تشریح آسمانی گفته می‌شود و اگر از طرف خردمندان بشر باشد تشریح وضعی می‌نامند که البته این دو قسم تشریح، فرق زیادی دارند (ابراهیم، ص 19) این اصطلاح در فرهنگ اسلامی به خصوص در مباحث کلامی و قرآنی به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود که عبارت‌اند از:

1. معنای عام: تشریح عبارت است از آنچه خداوند متعال وضع و بیان نموده و از طریق پیامبران علیهم‌السلام به مردم رسیده است خواه مربوط به عقیده و ایمان و باور قلبی باشد که احکام اعتقادی است (و در علم کلام مورد بحث قرار می‌گیرد) و خواه مربوط به عمل و رفتار باشد که احکام فرعی است (و در علم فقه بررسی می‌شود).

2. معنای خاص: تشریح عبارت است از مجموع احکامی که خداوند متعال برای بندگانش وضع کرده تا بر اثر - ایمان و - به کار بستن آن احکام به سعادت دنیا و آخرت برسند (مجیری، ص41). چنانکه ملاحظه می‌شود در هر یک از دو تعریف، واژه تشریح از حالت مصدری به حالت و صفی و اسمی منتقل و به کار رفته است.

اعجاز تشریحی

صاحب نظران و قرآن پژوهان برحسب اینکه با دیدگاه کلامی یا دیدگاه فقهی (و حقوقی) به موضوع نگریسته باشند تعریفشان فرق می‌کند و غفلت از تفاوت دیدگاه‌ها ممکن است به تصور و توهم اختلاف اساسی منتهی گردد. اکثر قرآن پژوهان اهل سنت و برخی از صاحب نظران شیعه، اعجاز تشریحی را در مورد تمام معارف و علوم و احکام تکلیفی قرآن اطلاق می‌کنند. در مقابل این گروه، جمع بیدشتی از صاحب نظران شیعه و برخی از نویسندگان اهل سنت از دیدگاه فقهی به موضوع پرداخته و اعجاز تشریحی را از اعجاز علمی تفکیک نموده و به صورت خاص تحلیل و بررسی نموده‌اند. از محققان شیعه می‌توان صاحب تفسیر آلاء الرحمن آقای خوئی، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی و جعفر سبحانی دارای این نگرش‌اند و از پژوهش‌گران اهل سنت استاد ابوزهره را می‌توان نام برد.

در این مقاله با دیدگاه فقهی و کلامی به مسئله می‌پردازیم و با توجه به تعریف‌هایی که درباره اعجاز و تشریح ارائه شد به این نتیجه می‌رسیم که: «اعجاز تشریحی به معنای مشتمل بودن قرآن کریم بر احکام و قانون‌هایی است که از سوی پیامبر اسلام (ص) همراه با توحید به مردم ابلاغ شد و افراد عادی از تدوین و ارائه مشابه آن عاجز و ناتوانند».

اعجاز در فرهنگ قرآن

عنوان اعجاز و واقعیت اعجاز به گونه‌ای که در متن قرآن کریم آمده با آنچه در کتاب‌های لغت و اصطلاح ذکر شده دارای دو تفاوت است.

نخست آنکه: کلمه اعجاز در قرآن ذکر نشده اما واژه مُعْجِزٌ (بدون تاء) و سایر مشتقات آن حدود 26 مرتبه ذکر شده و به معنای لغوی آن یعنی «ناتوان‌کننده» به کار رفته است. در سوره توبه/ 2 و 3 چنین آمده است:

فسيحوا في الأرض أربعه أشهر واعلموا أنكم غيرُ معجزِي الله و أن الله مخزي الكافرين. ... و إن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أنكم غير معجزِي الله....

دیگر آنکه: هر جا خداوند خواسته واقعیت معجزه پیامبران را یادآور شود آیه، بینه، برهان و سلطان را (به صورت مفرد یا غیرمفرد) به کار برده است. البته این واژه‌ها از نظر لغت، کاربردهای گسترده‌تری دارند اما هر جا در متن قرآن، به هدف بیان معجزه پیامبران ذکر شده به وسیله قرائن موجود در مقام، به وضوح مشخص می‌شود. برخی موارد مربوط به این کاربرد، به این صورت است:

1. آیه و آیات: آل عمران/ 49، انعام/ 37 و 109، اعراف/ 73 و نمل/ 12.
2. بینه و بینات: بقره/ 92، اعراف/ 73 و 105 و فاطر/ 25.
3. سلطان: هود/ 96، ابراهیم/ 10 و 11، زاریات/ 38 و دخان/ 19.
4. برهان: نساء/ 174 و قصص/ 32.

پیشینه تحقیق در اعجاز قرآن

بحث اعجاز قرآن از سده‌های نخستین مطرح بوده و همواره ادامه داشته است تا جایی که اکنون کتاب‌های تألیفی فراوانی در این زمینه وجود دارد و در کتاب‌های نسبتاً زیادی هم این بحث بررسی شده است. در قرن سوم جاحظ (م 255ق) و در قرن چهارم، رُمّانی (م 386ق) و خطابی (م 388ق) و در قرن پنجم عبدالقاهر جرجانی (م 471ق) در این زمینه دارای تألیفانند. همچنین قاضی عبدالجبار اسدآبادی معتزلی (م 415ق) و پس از وی در قرن ششم زمخشری (م 528ق) در تفسیر کشف بیشترین تلاش خود را در ترسیم و توصیف اعجاز

بیانی قرآن به کار برده اند. البته این محققان و نویسندگان غالباً به جنبه های فصاحت و بلاغت و اسلوب بیان قرآن نگریسته اند (ایازی، 1381ش، ص136).

کم توجهی به اعجاز تشریحی

چنانکه اشاره شد سهم عمده و بخش اساسی از تحقیق و بررسی ها به اعجاز بیانی قرآن اختصاص داشته است و اظهار نظر و تألیف درباره اعجاز محتوایی به ویژه اعجاز تشریحی قرآن بسیار اندک است شاید از طریق آمار کتب و مقاله های مربوط به هر یک از وجوه اعجاز قرآن بتوان به خوبی به این واقعیت رسید. البته استقرار تمام تألیف های مربوط به این مسئله نه آسان است و نه صواب و نه مورد نیاز اما از باب ذکر نمونه فهرست کتبی که دو تن از مؤلفان معاصر جزو منابع مورد مراجعه خود ارائه نموده اند بدین گونه است:

1. «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»: مؤلف کتاب 21 کتاب را نام برده که مربوط به اعجاز قرآن است و هیچ یک از آنها در زمینه اعجاز تشریحی قرآن نیست (رضائی).
 2. «الموسوعه الذهبیه فی اعجاز القرآن الکریم و السنه النبویه»: مؤلف کتاب 27 کتاب در زمینه اعجاز قرآن معرفی کرده که از جمله آنها 3 کتاب با عنوان اعجاز عددی و 16 عنوان مربوط به اعجاز علمی است و هیچ کتابی پیرامون اعجاز تشریحی معرفی نشده است (متولی 1426ق، فهرست منابع کتاب).
- اکنون جای این پرسش است که چه عاملی باعث کم توجهی یا بی توجهی به اعجاز تشریحی شده است. این وضعیت به اندازه ای شدید است که علامه طباطبائی ره پژوهشگران را در این زمینه مقصر شمرده است:

به حقیقت پژوهشگران از علمای صدر اول و پس از آنان، تقصیر و کوتاهی نموده اند، زیرا آنان اعجاز قرآن را به فصاحت و بلاغت آن محدود کردند و در این خصوص کتابها و

رساله‌هایی تألیف کردند و این اقدام، آنها را از تدبر در حقایق و ژرفنگری در معارف قرآن بازداشت و آنان را براین داشت که معانی و محتوا را اموری پیش‌پا افتاده به حساب آورند، به گونه‌ای که - در شناخت معانی - افراد بی‌تمدن و باتمدن، عوام و خواص، جاهل و عالم همه در یک سطح قرار دارند و نظم الفاظ برنظم معانی ترجیح دارد و چیزی جز نظم الفاظ دارای ارزش نیست. این در حالی است که خداوند متعال هرگونه وصف زیبایی که در تحدی مؤثر است درباره قرآن به کار برده است مثل اینکه قرآن را نور، رحمت، هدایت، حکمت، موعظه، برهان و... شمرده و در خصوص بلاغت قرآن تصریح ننموده است (طباطبائی، ج 10، ص 65). در اینجا لازم به یادآوری است که همواره افراد اندکی بوده‌اند که اعجاز قرآن کریم را در احکام نورانی آن متجلی نگریسته‌اند.

دیدگاه قرآن نسبت به شرایع قرآنی

دیدگاه قرآن درباره احکام و قوانین موجود در آن چیست؟ آیا خود قرآن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم آنها را پدیده‌ای الهی شمرده است یا در این خصوص دیدگاهی ندارد؟ در پاسخ به نظر می‌رسد دو قسم آیات در این زمینه وجود دارد:

قسم اول: آیاتی که به صورت عام و کلی قرآن را حقیقتی و حیانی معرفی نموده‌اند که آیه ذیل از آن جمله است:

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء / 82).

برطبق - منطوق - این آیه تمام قرآن پدیده‌ای الهی و غیر بشری است بنابراین احکام تشریحی آن نیز - که جزئی از قرآن است - این گونه است.

قسم دوم: آیاتی که ویژگی‌ها و امتیازات تمام یا برخی شرایع و قوانین قرآن را به صورتی برجسته بیان کرده است برخی از این آیات عبارت‌اند از:

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس... (حديد/25).

آیه شریفه چنین تفسیر شده است: هدف خداوند از فرستادن پیامبران و نازل گرداندن کتاب و میزان به همراه پیامبران آن است که مردم برای اجرای قسط و عدالت قیام کنند و در جامعه‌ای عادل زندگی کنند (طباطبائی، ج 19، ص 171).

الذين يتبعون الرسول الذي يجدونه مكتوباً عندهم في التوراه والإنجيل يأمرهم بالمعروف و ينهيهن عن المنكر و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضغ عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم..... (اعراف/157).

از آیه شریفه چنین استفاده شده که بدون تردید دین اسلام یگانه دینی است که در پیکر بی‌روح امر به معروف و نهی از منکر تا آنجا که ظرفیت داشته روح حیات دمیده... و یگانه دینی است که جمیع امور مربوط به زندگی بشر و همه شئون و اعمال وی را بر شمرده و آنها را به دو قسم طیبات و خبائث تقسیم کرده طیبات را حلال و خبائث را حرام کرده است. قوانین هیچ شریعت دینی و هیچ یک از قوانین اجتماعی (و عرفی) به تفصیل قوانین شریعت اسلام نیست و مانند شریعت اسلام به جزئیات و دقایق امور نپرداخته است (طباطبائی، ج 8، ص 294 با تلخیص).

يا ايها الذين آمنوا كُتِبَ عليكم القصاص في القتلي..... و لكم في القصاص حياةٌ يا أولي الألباب لعلكم تتقون (بقره/ 179) - (178).

چنانکه ملاحظه می‌گردد این قسم آیات علاوه بر ذکر ویژگی‌های بارز و بی‌نظیر احکام شرعی، آنها را قوانین الهی و از جانب خداوند متعال معرفی می‌کنند.

جلوه‌های اعجاز قرآن در تشریح

اگر قوانین و احکام قرآن معجزه است باید به گونه‌ای باشد که قادر به تحدی بوده و از توان بشر عادی فراتر باشد. این حقیقت در عرصه‌های مختلف تجلی نموده و اثبات آن از چند طریق ممکن است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: 1. ویژگی‌های احکام قرآن 2. مقایسه احکام قرآن با احکام تورات؛ 3. مقایسه احکام قرآن با قوانین عرفی؛ 4. تأثیر احکام قرآن بر تمدن و جامعه اسلامی.

1. ویژگی‌های احکام قرآن

قوانین و احکام تشریحی قرآن دارای ویژگی‌هایی است که آنها را از قوانین عرفی متمایز ساخته است از جمله از ویژگی‌ها می‌توان انسجام و ارتباط قوانین، وجود قوانین کلی و اصول حاکم، شمول و فراگیری قوانین را نام برد و بررسی نمود:

اول. انسجام و ارتباط قوانین

قوانین و احکام قرآن به رغم آنکه در فاصله‌های زمانی نسبتاً طولانی نازل شده و در سوره‌های مختلف قرآن به صورت مقدم و مؤخر قرار گرفته، به گونه‌ای خاص به یکدیگر وابسته و مرتبط است. این وضعیت توجه عموم قرآن پژوهان را به خود جلب کرده است. استاد علی محمد جعفر در این باره چنین اظهار نظر نموده است:

.... احکامی که مربوط به یک موضوع‌اند در یک جای از قرآن وارد نشده بلکه در سوره‌های مختلف و بدون هیچ‌گونه تعارضی وارد شده است و این امر اشاره به آن دارد که احکام قرآن در هر جایی از قرآن باشد، همگی یک واحد نامتجزی است و قرآن (دارای) وحدتی عام و متکامل است (محمد جعفر).

از باب نمونه برخی احکام مربوط به حقوق اعضای خانواده و احکام مربوط به روابط با غیر مسلمانان را در آیات ذیل اشاره می‌کنیم:

الف. حقوق متقابل اعضای خانواده

و وصینا الانسان بوالديه احساناً حملته امه
 کرهاً و وضعته کرهاً و حملته و فصاله ثلثون
 شهراً... (احقاف/15).

والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن
 اراد أن یؤتم الرضاعة، و علی المولود له
 رزقهن و کسوتهن بالمعروف. لا تُکلف نفس الا
 وسعها لا تضار والدته بولدها ولا مولود له
 بولده..... (بقره/233).

در دو آیه فوق ارتباط و انسجام چند
 جانبه‌ای مشهود است. از یک سو ارتباط موضوعی
 بین آیه اول و آیه دوم وجود دارد با اینکه
 آیه نخست جزو آیات مکی و آیه دوم از آیات
 مدنی است و فاصله نزول آنها نسبتاً زیاد است.

از سوی دیگر ارتباط کاملی میان امری
 تکوینی و حکمی تشریحی ظاهر شده است زیرا در
 آیه نخست مدت حمل و مدت شیردادن به فرزند
 ذکر شده و در آیه دوم مدت شیردادن ذکر شده
 که بخشی از آیه نخست را تفسیر می‌کند.

در مرحله سوم حکم شیردادن و حکم نفقه دادن
 که دو حکم فرعی و جزئی است، به یک اصل کلامی
 و فقهی (یعنی منوط بودن تکلیف به قدرت) و
 نیز به یک قاعده مهم فقهی (یعنی قاعده نفی
 ضرر) مستند شده است.

ب. ضوابط ارتباط با غیر مسلمانان

ولا تُنکحوا المشرکات حتی یؤمنن ولأمة
 مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبکم ولا
 تُنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن
 خیر من مشرک ولو أعجبکم أولئک یدعون الی
 النار والله یدعوا الی الجنة و المغفرة
 بإذنه و یبین آیاتیه للناس لعلهم یتذکرون
 (بقره / 221).

و ان احد من المشرکین استجارک فأجزه حتی
 یسمع کلام الله ثم ابلغه مأمنه ذلک بأنهم قوم
 لا یعلمون» (توبه / 6).

یایها الذین ءامنوا لا تتخذوا ال کافرین
 أولیاء من دون المؤمنین أتریدون ان تجعلوا
 لله علیکم سلطاناً مبیناً (النساء / 144).

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ... (مجادله/22).

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/141).

و طعام الذين أوثقوا الكتابَ حل لكم و طعامكم حل لهم... (مائده/5).

این بخش از آیات در فاصله های زمانی مختلف نازل شده و در چند سوره قرآن جای دارد. با این وصف، منظومه ای از حدود تعامل و ضوابط ایجابی و سلبی ارتباط افراد و جامعه اسلامی با افراد و جامعه های غیرمسلمان را تعیین می کند. به گونه ای که نوع ارتباط با هر یک از اقسام غیرمسلمان با اقسام دیگر متفاوت است.

دوم. وجود قوانین کلی و اصول حاکم

هرچند احکام و شرعیات قرآنی همگی دارای اعتبار یکسان اند، اما به لحاظ ثبات و انعطاف پذیری، میزان شمول و فراگیری و غیره متفاوت اند و بعضی از آنها به مثابه اصل ثابت و حاکم نسبت به بقیه احکام می باشند. چند نمونه از احکام و اصول کلی را در آیات ذیل می بینیم:

الف. اصل عدالت

1. ان الله يأمُر بالعدل والإحسان و ایتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی يعظکم لعلکم تذكرون (نحل/90).

2. ان الله يأمُرکم أن تؤدوا الأمانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل، ان الله نعمة یعظکم به، ان الله کان سمیعاً بصیراً (نساء/58).

3. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربوا ان کنتم مؤمنین. فان لم تفعلوا فآذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تُبیتم فلکم رُئوس اموالکم لا تظلمون ولا تُظلمون

(بقره /287-279).

چنانکه ملاحظه می‌گردد در آیه‌های 1 و 2 خداوند امر به عدالت نموده اما مورد یا مصداق خاصی برای آن ذکر نکرده که گویای کلیت و عمومیت حکم است و در آیه 3 حکم حرمت را با مقارن ظلم و ستم آورده است. این موضوع در موارد دیگری از قرآن کریم از جمله در سوره مائده / 8 و انعام / 152 نیز قابل بررسی است.

ب. اصل صلاح (و نفي فساد)

اصل دیگری که در بین شرایع قرآن چشمگیر است، اصل «صلاح و نفي فساد» است. این اصل در تمام شئون زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و تصرف در محیط زیست جاری و نافذ است. برخی موارد کاربرد آن در آیات زیر بیان شده است:

و يسئلونك عن اليتيم قل اصلاح لهم خير و ان
تخالطوهم فإخوانكم والله يعلم المفسد من
المصلح... (بقره / 220).

و ان خفتن شقاق بينهما فابعثوا حكماً من
اهله و حكماً من اهلها ان يُريدا اصلاحاً يُوفى
الله بينهما ان الله كان عليماً خبيراً (نساء /
35).

إنما جزاء الذين يجاربون الله و رسوله و
يسعون في الأرض فساداً أن يُقتلوا أو يُصلبوا
أو تُقطع أيديهم و أرجلهم من خلاف أو يُنْفَوْا
من الأرض (مائده / 33).

ج. اصل توازن حق و تكليف

توازن و تقابل حق و تكليف اصل کلی دیگری است که در تشریح قرآن وجود دارد این اصل را قرآن کریم به مناسبت حقوق و وظایف برخی زنان اشاره نموده است:

والمُطَلَّقاتُ يَتَرَبِّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ... و
لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...
(بقره / 228).

این اصل در آیات قرآن کمتر به صراحت ذکر شده است و علت این امر شاید وضوح و بداهت آن باشد. به هر حال حضرت امیر علیه السلام در یکی

از خطابه‌های حکومتی و سیاسی خود آن را تشریح و تفسیر نموده است (نهج البلاغه، خطبه 207).

د. اصل کرامت انسان

این اصل در حوزه تشریح و قانون‌گذاری دارای جوه قانونی متنوع است. علاوه بر آن دارای اساس و پایگاه فطری و تکوینی است به بیان دیگر خداوند منان آنجا که در نقش آموزگاری بزرگ کتاب خلقت و در سننامه آفرینش را به انسان‌ها تعلیم می‌دهد. صفحه‌ای از آن را به بیان ماهیت و چگونگی ذات و شخصیت انسان‌ها اختصاص داده و تاج کرامت و مدال افتخار و فضیلت را ویژه انسان‌ها دانسته و فرموده است: ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (اسراء/70).

اما خداوند متعال تنها آموزگار نیست بلکه علاوه بر آن قانون‌گذار است. در مقام تشریح و بیان قوانین، اصل کرامت انسان را در فصل‌های مختلف پایه و مبنای باید‌ها و نبایدها قرار داده است. دفاع از حیات انسان، آزادی و حفظ آبروی انسان از آن جمله است:

1. قوانین حفظ جان و حیات انسان‌ها: در مورد حفظ جان و زندگی انسان‌ها قرآن کریم احکام زیادی صادر نموده که برخی از آنها در آیات زیر آمده است.

ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق... (اسراء/33).

و اذا المّوءودة سُئِلْتُ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر/8).

ولا تقتلوا اولادکم خشیةً إملاقٍ نحن نرزقکم و ایاهم (انعام/151).

... من اجل ذلك كتبنا علی بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الأرض فکأنما قتل الناس جمیعاً و من احیاهما فکأنما احیا الناس جمیعاً... (مائدة/32).

2. قوانین آزادی بخش: قسم دیگر از موارد کاربرد اصل کرامت انسان، احکام مربوط به آزادی

بردگان است که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است:

و ما أدريك ما العقبة، فك رقبه... (بلد/12-13).
و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه... (نساء / 92).

دستور آزادسازی بردگان در آیات دیگری از جمله آیه 89 سوره مائده و آیه 3 سوره مجادله نیز بیان شده است.

3. حفظ احترام و آبروی انسانها: کرامت انسانها در زمینه حفظ احترام و آبروی افراد نیز مورد عنایت قرآن است و در این خصوص احکامی دقیق وضع نموده و مؤمنان را ملزم به رعایت آنها کرده است:

يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم عسي أن يكونوا خيراً منهم ولا نساءً من نساء عسي أن يكن خيراً منهن ولا تلمزوا أنفسكم ولا تنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان و من لم يتب فأولئك هم الظالمون. يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثمٌ ولا تجسسوا ولا يغتب بعضكم بعضاً أيحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه و اتقوا الله ان الله توابٌ رحيم (حجرات/ 12-13).

هـ . اصل سهولت و نفي حرج

سهولت و نفي حرج اصل دیگری است که در عرصه های مختلف تشریح قرآن جاری است و بر بسیاری از قوانین حاکم است. این اصل در آیات مختلف قرآن (با چند عنوان) ذکر شده اما در آیه بعد به صورت بسیار جامع و فراگیر بیان شده است:

و جاهدوا في الله حق جهاده هو اجتباكم و ما جعل عليكم في الدين من حرج (حج/78).

اصل سهولت یکی از رمزهای گسترش آیین اسلام میان ملت ها و اقوام مختلف است و این امر به حدی روشن است که صاحب نظران بیگانه

نیز به آن پی برده و برخی از آن با تجلیل یاد کرده اند (روحانی، ص 305).

و. اصل تسالم (و تقدم آن بر جنگ)

قرآن روابط انسانی را بر اصل تسالم و تعامل مثبت تنظیم کرده است. این اصل علاوه بر حیطة روابط اجتماعی افراد و قومیت های مسلمان در زمینه روابط جامعه اسلامی با کشورهای غیرمسلمان و اقوام بیگانه نیز جاری است. در دو آیه زیر این موضوع بیان شده است:

و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا
 بينهما فان بغت احديهما علي الأخرى فقاتلوا
 التي تبغى حتي تفيء الي امرالله فان فآءت
 فاصلحوا بينهما بالعدل و أقسوطوا ان الله يحب
 المقسطين. انما المؤمنون إخوة فأصلحوا بين
 أخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون (حجرات/10-9).

و ان جرحوا للسلم فاجئح لها و توكل علي الله
 إنه هو السميع العليم (انفال/61).

سوم. شمول و فراگیری

سومین ویژگی تشریح قرآنی شمول و فراگیری احکام است. احکام قرآن مبتنی بر جهان بینی اسلامی است و بر این اساس دارای ابعاد مختلف است. این گونه نیست که محدود به خواسته ها یا منافع و مصالح مادی فرد یا گروهی خاص باشد، بلکه بین مادیت و معنویت، شئون فردی و اجتماعی، زندگی دنیا و آخرت جمع نموده است این واقعیت را در احکام عبادی و در آیات پرداخت زکات و اقامه نماز می بینیم.

- قانون پرداخت زکات و ابعاد آن: پرداخت زکات در نظر ابتدایی عبادت خداوند متعال است. در عین حال جنبه ها و آثار مثبت اجتماعی، اقتصادی و... نیز دارد. برخی از جنبه های مذکور، در دو آیه زیر قابل ملاحظه است:

انما الصدقات للفقراء و المساكين و العاملين
 عليها و المؤلفه قلوبهم و في الرقاب
 و الغارمين و في سبيل الله و ابن السبيل فريضة
 من الله و الله عليم حكيم (توبه/60).

خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم بها و صل علیهم ان صلواتك سكن لهم والله سمیع علیهم (توبه/103).

مشابه آنچه در باره زكات اشاره شده در مورد نماز هم قابل بررسی است:

«و اقم الصلوه إن الصلوه تنهي عن الفحشاء والمنكر ولذكر الله أكبر والله يعلم ما تصنعون (عنكبوت/45).

در اینجا بهتر است به سخنان «گیبون» - نویسنده غیرمسلمان - پیرامون شمول و فراگیری احکام قرآن توجه کنیم:

... به عبارت دیگر قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است، دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی و اجتماعی و مدنی و تجاری و نظامی و قضائی و جنایی و جزایی و همین مجموعه قوانین از تکالیف زندگی روزانه تا تشریفات دینی اعم از تزکیه نفس تا حفظ بدن و بهداشت و از حقوق عمومی تا حقوق فردی و از منافع فردی تا منافع عمومی و از اخلاقیات تا جنایات و از عذاب و مکافات این جهان تا عذاب و مکافات جهان آینده همه را دربردارد (روحانی، ص316).

2. مقایسه احکام قرآن با احکام تورات

مقتضای شرایط عادی متأثر بودن قرآن از کتاب‌های تورات و انجیل است، زیرا بر اساس شواهد و اسناد مسلم تاریخی قرآن به وسیله فردی، عرضه شد که «امی» و درس‌نخوانده بود و در عین حال نسبت به تورات و انجیل و پیروان آنها (یعنی اهل کتاب) آشنا بود. از سوی دیگر عرب مکه و حجاز تورات و انجیل را کتب آسمانی و اهل کتاب را بهره‌مند از علم و دانش می‌پنداشتند و از جهات فرهنگی، اقتصادی و... پیوسته با اهل کتاب در تعامل بودند.

در چنین شرایطی اگر قرآن کتابی از سنخ کتاب‌های عادی و برگرفته از فکر و اندیشه یک فرد امی بود، باید از کتاب تورات که در دست یهود است بهره می‌گرفت و از آن متأثر می‌شد. از جمله آنکه همسان تورات و بلکه بیشتر از

آن دارای مضامین و قوانین خرافی، غیرفطری، تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه بود. در حالی که چنین نیست و قرآن از این گونه امور منزه و وارسته است. آیات قرآن به عقل‌گرایی (بقره / 73)، حکمت (آل عمران / 164) و بصیرت (یوسف / 108) دعوت می‌کند و معارف و احکام قرآن به فطری بودن (روم / 30)، رعایت مساوات (حجرات / 70)، قسط (حدید / 25) و تکریم انسان (اسراء / 70) آراسته است. این تفاوت میان قرآن و تورات در آیه‌ای از قرآن کریم - با تأکید بر وجود تکالیف طاقت‌فرسا در تورات و انجیل و وارسته بودن اسلام و قرآن از آن - به صورت کلی چنین آمده است:

الذین یتبعون الرسول الذبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوریه و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الأغلال التی کانت علیهم فالذین امنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی أنزل معنہ اولئک هم المفلحون (اعراف / 157).

چنانکه در متن آیه شریفه ملاحظه می‌شود پیروان تورات و انجیل گرفتار تعهدات سخت و اعمال شاقه و طاقت‌فرسا هستند و پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم نجات‌بخش و برگیرنده سختیها از زندگی افراد هستند. در تأیید این تفاوت چند حکم از تورات را ذکر می‌کنیم:

چند نمونه از احکام تورات

- انقطاع نامختون از قبيله: ... هر ذکور نامختون که گوشت قلفة او ختنه نشود آن کس از قوم خود منقطع شود زیرا که عهد مرا شکسته است (سفر پیدایش، باب 17: 14).

- رجم گاو و قتل صاحب گاو: ... هرگاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد، گاو را البته سنگسار کنید و گوشتش را نخورند و صاحب گاو بی‌گناه باشد. ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخزن می‌بود و صاحبش آگاه

بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز به قتل برسانند (سفر خروج، باب 21: 29 و 28).

- اثر نجاستی مس میت: ... هرکه میت آدمی را لمس کند هفت روز نجس باشد و آن شخص در روز سیم، خویشتن به آن (آب تنزیه) پاک کند و در روز هفتم طاهر باشد و... هر کس وارد خیمه‌ای بشود که انسانی در آن جا مرده نجس است و هر ظرفی که در آن خیمه بود و سرپوش نداشت نجس است... (سفر اعداد، باب 19: 11-16)

- نجاست ایام نفاس: ... چون زنی آبستن شد پسر نرینه بزاید آنگاه هفت روز نجس است و اگر دخترتری بزاید دو هفته بر حسب مدت طمث خود نجس باشد و شصت و شش روز در خون تطهیر بماند... (سفر اعداد، باب 12: 2-6).

موارد مذکور از باب نمونه است و احکام سخت و طاقت فرسا در تورات بیش از موارد فوق است. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به اسفار مختلف تورات از جمله سفر اعداد مراجعه نمود.

در پایان مفید می‌دانم که نظر «دین استانی» را - در کتاب کلیسای شرق - نسبت به قوانین قرآن و تورات اشاره کنم: بدون شک تأثیر قوانین استوار قرآن در نزد مسلمین صدها بار بیشتر از تأثیر دستورات تورات در نزد دیگران می‌باشد (روحانی، ص 310).

3. مقایسه احکام قرآن و قوانین عرفی

راه سوم جهت پی بردن به اعجاز تشریحی قرآن، مقایسه و سنجش احکام قرآن با قوانین عرفی است. قوانین عرفی - با همه دقتی که از سوی قانون‌گذاران اعمال می‌گردد - به گونه‌ای است که بیشتر آنها پس از مدتی اصلاح می‌شود یا صواب بودن و مقبولیت آن مورد تردید قرار می‌گیرد و در مواردی به طور کلی الغا و ابطال می‌شود. این وضعیت معلول مشاهده و بروز دو عیب و نقصان بزرگ است که در قانون‌های عرفی همواره وجود داشته و عبارت‌اند از: 1. وجود

اختلاف؛ 2. وجود نارسایی. به لحاظ اهمیت موضوع هر يك از این دو مسئله را به اختصار بیان می‌کنیم:

1. عرصه‌های اختلاف در قوانین عرفی: یکی از نقایص قوانین عرفی و بشري وجود اختلاف و تباین میان آنها است. این وضعیت در دو عرصه برون مکتبی و درون مکتبی بروز می‌کند.

الف. اختلاف برون مکتبی و عرصه‌های آن
 نظام‌ها و نهادهای قانون‌گذار متعلق به کشورهای مختلف، در خصوص يك موضوع قانون‌های مختلف و مغایر و وضع می‌کنند. موضوع ریاست جمهوری و شئون مربوط به رئیس‌جمهور از جمله مواردی است که می‌توان قوانین متعلق به نظام‌های مختلف را درباره آن با هم مقایسه کرد.

1. صفات و شرایط رئیس‌جمهور: در اینکه رئیس‌جمهور باید به لحاظ جنسیت، حقوق شهروندی، میزان سن و... چه ویژگی‌هایی داشته باشد اختلاف نظرهایی دیده می‌شود از جمله اینکه:

1.1 جنسیت: در ایتالیا مرد بودن یکی از شرایط داوطلب ریاست جمهوری است ولی این شرط در کشورهای مثل آمریکا نیست (نقیب‌زاده، ایتالیا، ص 95).

2.1 میزان سن: حداقل سن لازم برای داوطلب ریاست جمهوری در روسیه 35 سال، در آلمان و آمریکا 40 سال و در ایتالیا 50 سال است (روسیه، ص 116).

3.1 حقوق شهروندی: در آمریکا علاوه بر دارا بودن حقوق شهروندی، تابعیت و اقامت قید شده و در روسیه (علاوه بر حقوق شهروندی) سکونت حداقل 10 سال در روسیه لازم شمرده شده است.

2. اختیارات رئیس‌جمهور: مورد دیگر از بروز اختلاف، میزان اختیارات رئیس‌جمهور است. اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس‌جمهور هند را می‌توان به عنوان نمونه با هم مقایسه کرد. رئیس‌جمهور آمریکا اختیار کامل دارد - که به استثنای قضاوت قوه قضائیه - هر مقامی را از

پُست خود عزل نماید و مجلس سنا در این باره حق و تو ندارد. همچنین رئیس جمهور فرمانده کل نیروهای مسلح ایالات متحده است (حمیدینیا، ص 466).

اما اختیارات رئیس جمهور هند به گونه‌ای است که «در نظام حکومتی فعلی هند رئیس جمهور فقط رئیس سمبولیک کشور است و در عمل همان نقشی را دارد که پادشاه در نظام حکومتی انگلستان دارد...» (عالیخانی، ص 238).

3. مسئولیت و مصونیت رئیس جمهور: میزان و حدود مسئولیت و پاسخگویی رئیس جمهور نسبت به ارتکاب جرم و دفع اتهام، عرصه دیگری از اختلاف در نظام‌های حقوقی است. به طور کلی باید دانست که قوانین عرفی در تمام نظام‌های حقوقی، میزان مسئولیت رئیس کشور را به یک اندازه نمی‌بینند بلکه سه نظریه وجود دارد.

نظریه اول: رئیس کشور را مسئول ارتکاب هیچ جرمی قرار نمی‌دهد (مانند عدم مسئولیت پادشاه انگلستان و...).

نظریه دوم: رئیس کشور را نسبت به خصوص ارتکاب جرائم بزرگ و سنگین، مسئول و مورد محاکمه قرار می‌دهد و نسبت به سایر جرائم مسئول نیست (مانند رئیس جمهور فرانسه).

نظریه سوم: رئیس کشور نسبت به هرگونه جرمی مسئول است و محاکمه می‌شود (مانند مسئولیت رئیس کشور هلند).

چنانکه ملاحظه می‌شود نظام‌های حقوقی و نهاد‌های قانون‌گذار عرفی، در خصوص یک موضوع نظیر ریاست جمهوری و شئون مربوط به رئیس کشور، دیدگاه‌های مختلف و به تبع آن قوانین مختلفی دارند و این اختلاف بیانگر ناصواب بودن برخی از این قوانین است (عوده، ص 63).

ب. اختلاف درون مکتبی و عرصه‌های آن
اختلاف درون مکتبی عبارت‌است از مغایرت و ناهماهنگی دو یا چند قانون که از یک مکتب یا نظام و نهاد قانون‌گذار وضع و صادر شده است. البته هیچ فرد یا نهاد قانون‌گذار به عمد و

با آگاهی، اقدام به وضع قوانین مغایر و مخالف نمی‌کند اما به تجربه دیده شده که این اقدام، ندانسته و ناخواسته، انجام شده است و این امر به حدی فراگیر است که گویی امری استثنایی نیست بلکه خود يك «اصل» مسلم است مؤلف «النظریه العامه للقانون» در این زمینه چنین اظهار نظر نموده است:

... نخستین کسی که انتظار می‌رود نسبت به قانون جاهل نباشد، خود قانون‌گذار است که قوانین از اراده او صادر می‌شود با این حال در مواردی پیش می‌آید که قانون‌گذار بر اثر جهل به قوانین قبلی، قانون جدیدی وضع می‌کند که اگر نسبت به قوانین پیش، علم می‌داشت، قانون جدید وضع نمی‌کرد یا به این صورت وضع نمی‌کرد (تناغو، ص 606).

2. نارسایی در قوانین عرفی: خصیصه دیگر قوانین عرفی ضعف و نارسایی آنهاست که می‌توان به عنوان «عدم جامعیت و مانعیت حکم نسبت به موضوع» تعبیر نمود. در قوانین عرفی، موارد زیادی پیش می‌آید که قانون صلاحیت و شایستگی لازم را برای اجرا و تبعیت ندارد و در مواردی جامع و فراگیر نیست و در موارد دیگر مانعیت کافی ندارد و گاهی اجرای آن زیان‌آور است. این گونه ضعف و نارسایی‌ها باعث می‌گردد تا قانون اصلاح یا تکمیل شود و احیاناً ملغی و نسخ گردد.

این وضعیت هرچند در قوانین عادی شدیدتر است اما در قانون‌های اساسی نیز وجود دارد. تجربه تاریخی نشان داده است که در تدوین قانون‌های اساسی، عموماً نخبگان فکری، علمی و سیاسی هرکشور تمام توان خود را هماهنگ و بسیج نموده و اعمال می‌کنند تا قانون اساسی به صورت مجموعه‌ای از اصول قانونی تنظیم گردد که برای آینده زمینه‌ساز عدالت، تعالی، سعادت و تکامل جامعه باشد. با این وصف پس از مدتی، کاستی‌ها و نارسایی‌هایی غیرقابل اغماض در قانون اساسی مشاهده می‌کنند و به اجبار آن را تغییر می‌دهند. چند مورد زیر شاهد و مؤید این واقعیت است:

- قانون اساسی چین: که در سال 1954 تصویب شده بود در سال 1982 اصلاح گردید (طاهری امین، ص 161).

- قانون اساسی مالزی: که در سال 1957 تصویب شده بود، در سال‌های 1963، 1981 و 1983 در چند نوبت اصلاح شده است (مسائلی، ص 173).

- قانون اساسی اندونزی: از زمان استقلال تاکنون چندین بار از جمله در سال‌های 1945، 1949، 1950 و 1959 تغییر کرده است (مظفری، ص 115).

- قانون اساسی بلژیک: از زمان تصویب (فوریه 1830) تا 1370 هیجده بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است که مهم‌ترین اصلاحات مذکور در سال‌های 1970، 1980 و 1988 بوده است (منصوری، 1375، ص 63).

- قانون اساسی آمریکا: در سال 1789 به تصویب رسیده و طی حدود دویست سال بیست و هفت اصلاحیه به آن افزوده شده است که اصلاحیه دهگانه سال 1791 از آن جمله است (ابوالفتح، 1381، ص 179).

در کشورهای مختلف دیدگاری نظیر ترکیه، مکزیک و پرتغال قانون اساسی چندبار اصلاح شده یا تغییر نموده است که به خاطر رعایت اختصار از بررسی آنها صرف نظر گردید.

4. تأثیر احکام قرآن بر تمدن و جامعه اسلامی

بُعد دیگر از اعجاز تشریحی قرآن بی‌نظیر بودن تأثیر احکام آن بر وضعیت زندگی مسلمانان است. البته ظرفیت و استعداد تأثیرگذاری شرایع قرآن بیش از آن حدی است که در تاریخ به فعلیت رسیده و محقق شده (و بخش عمده‌ای از قابلیت‌های آن به صورت بالقوه باقی مانده) است زیرا بر اثر انحرافی که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در مسئله رهبری پیش آمد، غالباً شرایط لازم برای اجرای کامل شرایع و احکام قرآن مهیا نبود. در عین حال تأمل و دقت در آثار سازنده و مثبت قوانین قرآن در حدی که اجرا شد، می‌تواند حقیقت و حیاتی آن را معرفی نماید. برخی از احکام قرآن و نقش خاص هر یک در زندگی مسلمانان را اشاره می‌کنیم:

1. وجوب تفقه و فراگیری علم قرآن به صورت‌های مختلف از علم، تعلیم و تعلم به احترام یاد کرده و آن را ستوده است و بخشی از علم و دانش را که برای هدایت و رشد جامعه لازم است بر همگان (به نحو کفای) فرض نموده است. در یکی از آیات قرآن چنین فرموده:

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون (توبه/122).

در آیه دیگر علم آموختگی را مقارن کسب ایمان وسیله ترفیع مقام شمرده است: يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين أوتوا العلم درجات... (مجادله/11).

حکم تفقه و تعلم سبب شد تا علوم و دانش‌های مختلف در میان مسلمانان پدید آید و مردمی که معمولاً «امی» و بی‌سواد بودند به امتی پرچمدار علم تبدیل گردند و فروغ علم و نور دانش را به سراسر جهان برسانند. این موضوع چیزی نیست که گویندگان و نویسندگان مسلمان مدعی آن باشند بلکه واقعیتی آشکار است که بیگانگان به آن اعتراف دارند (روحانی، ص307).

2. قوانین کیفری و اجرای حدود بخش دیگری از احکام تأثیرگذار قرآن در زمینه اجرای حدود است که در کتاب‌های تفسیر و منابع فقهی به تفصیل مورد استفاده و تحلیل قرار می‌گیرد. برخی از آنها که بیش از سایر احکام مورد توجه و بحث‌انگیز است در آیات ذیل بیان شده است:

1. انما جزأوا الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الأرض فساداً أن يُقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم و أرجلهم من خلف أو يُنْفَوْا من الأرض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم.

الا الذين تابوا من قبل أن تقدروا عليهم فاعلموا أن الله غفورٌ رحيم (مائدة/34-33) .
 2. والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاءً بما كسبا نكالاً من الله و الله عزيزٌ حكيم . فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فإن الله يتوب عليه ان الله غفورٌ رحيم (مائدة/39-38) .

3. الزانيه والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائه جلده ولا تأخذكم بهما رأفه في دين الله إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين. الزاني لا ينكح الا زانية او مشرکه والزانية لا ينكحها الا زان أو مشرک و حرم ذلك علي المؤمنين. والذين يرمون المحصنات ثم لم يأتوا باربعه شهداء فاجلدوهم ثمانين جلده و لا تقبلوا لهم شهادة أبدا و أولئك هم الفاسقون. الا الذين تابوا من بعد ذلك و أصلحوا فإن الله غفورٌ رحيم (نور/5-2) .

چنانکه ملاحظه میشود در متن آیات فوق و نحوه اجرای حدود، شدت و نرمش، غلظت و رحمت با یکدیگر همراه شده و این ترکیب باعث میشود تا جرم های مربوطه به عنوان گنا های بسیار عظیم و بزرگ تلقی شود و اعلام قانون به صورت مذکور بازدارندگی لازم را در جامعه داشته باشد. این تأثیر در حدی است که در عصر اول اسلام (دوران رسالت و زمان خلافت) این گونه جرائم به ندرت واقع میشد.

3. قانون آمادگی دفاعی

بخش قابل توجهی از قوانین اسلام مربوط به تأمین جامعه و بلاد اسلامی از خطر های خارجی و تعرضات دشمن است در این زمینه، تدارک و آمادگی دفاعی جایگاه ویژه ای دارد که در آیاتی از قرآن کریم ذکر شده است:

واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و اخرين من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم... (انفال/60) .
 يا ايها الذين امنوا قاتلوا الذين يلوونكم من الكفار و ليجدوا فيكم غلظة و اعلموا أن الله مع المتقين (توبه/ 123) .

نکاتی در متن دو آیه شریفه وجود دارد که قابل توجه است و عمومیت خطاب، فلسفه حکم (ارهاب عدو) و تأکید بر وجود دشمنان گوناگون، از آن جمله است. فرمان لزوم آمادگی دفاعی باعث شد تا مسلمانان بتوانند دشمنان بزرگی مانند امپراطوری روم و پادشاهی ساسانی را وادار به عقبنشینی یا تسلیم نمایند و مرزهای میهن اسلامی را تا بخش‌های وسیعی از آسیا، اروپا و افریقا توسعه دهند. شایان ذکر است که در این حکم، هدف و فلسفه اصلی، دفاع و پیشگیری است که در قالب «ارهاب» بیان شده و حاکی از آن است که روح حاکم بر دین اسلام، تهاجم، تخریب و ویرانگری نیست بلکه مقابله با دشمن و دفاع است.

سند نهایی (خاتمه)

در پایان بحث شایسته است این امر را اضافه کنیم که احکام و شرایع قرآنی (همانند دیگر معارف آن) به وسیله شخصی تبیین شده که بر اساس ضرورت تاریخ «امی» بوده و نزد هیچ آموزگاری و در هیچ مدرسه‌ای خواندن و نوشتن فرا نگرفته بود و این واقعیت در متن قرآن کریم نیز مورد تأکید است (عنکبوت/48؛ یونس/16). با توجه به این امر، هر انسان حقیقت طلب و منصفی پی می‌برد که قرآن و شرایع آن حقیقتی الهی و فراتر از افق فکر و اندیشه بشر است. به خصوص اگر در نظر داشته باشیم که شبیه این حادثه پیش از قرآن دیده نشده و تکرار آن پس از ظهور قرآن از فرد یا افراد دیگر صورت نگرفته است.

نتیجه

1. حضور بی‌مانند و تأثیرگذاری بی‌نظیر قرآن ناشی از بعد اعجاز و الهی بودن آن است و بررسی بعد اعجاز تشریحی قرآن به دلایلی از جمله توسعه روزافزون علوم بشری امری لازم و ضروری است.

2. اگرچه تحقیق پیرامون برخی وجوه اعجاز قرآن، خاصه اعجاز بیانی، دارای پیشینه طولانی است اما تحقیق در بعد اعجاز تشریحی قرآن در حد کافی نبوده است.
3. ویژگی‌های احکام و شرایع قرآن به عنوان امری الهی و اعجازی، به صراحت مورد تأکید برخی آیات قرآن کریم قرار گرفته است.
4. شرایع قرآنی از معایب و نارسایی‌های شرایع و قوانین بشری و ارسته است.
5. قوانین و شرایع قرآنی با یکدیگر هماهنگ و متوازن اند و اصول حاکم بر شرایع قرآنی، حکیمانه و اعجاب‌انگیز است.
6. با توجه به اینکه صدور چنین شرایعی از قانون‌گذاران عالم و دانشمند بشری، امری بی‌سابقه است، بنابراین بیان آنها به وسیله (فردی امی و...) پیامبر گرامی اسلام (ص) دلیل روشنی بر الهی بودن قرآن کریم است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (الشریف الرضی - 359 - 409هـ)، بیروت، دارالأضواء، 1406ق/1986.
- ابوزهره، محمد، معجزة بزرگ، ترجمة محمود ذبیحی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1370.
- _____، المعجزة الكبرى، بیروت، دارالفکر العربی، 1390ق/1970.
- ابوعوده، عوده خلیل، شواهد فی اعجاز القرآن، عمان، دارعمار للنشر، 1419 ق.
- ابوالفتح، امیرعلی، برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی، ابرار معاصر، 1381.
- اسماعیل، ابراهیم محمد، القرآن و اعجازه التشریحی، بیروت، دارالفکر العربی، بی‌تا.
- ایازی، سیدمحمدعلی، قرآن اثری جاویدان، رشت، کتاب مبین، 1381.

تناغوا، سمیر عبدالسید، *النظریه العامه للقانون، مصر، الاسکندریه، منشأه المعارف، 1986.*

تفتازانی، سعدالدین، *شرح المقاصد، جزوه 5، لبنان، بیروت، عالم الکتب، 1409ق.*

حمیدی‌نیا، حسین، *آمریکا، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، 1381.*

رجبی یزدی، مکزیکی، *تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش12)، 1373.*

راغب، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن، قم، دارالکتب العلمیه، 1392ق/1972.*

رضائی، محمدعلی، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چ3، قم، کتاب مبین، 1381.*

رضوانی، روح‌الله، *مبانی کلامی اعجاز قرآن، پایان نامه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، 1385.*

روحانی، سیدضیاء‌الدین، *معجزه جاویدان، قم، چاپخانه حکمت، 1377ق.*

زحیلی، وهبه، *القرآن الکریم، بنیته التشریحیه... الطبعه الأولی، بیروت، دارالفکر*

المعاصر، 1419ق.

سبحانی، جعفر، *فروغ ابدیت، ج1، چ13، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1367.*

طاهری، امین زهرا، *چین، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش54)، 1375.*

طالبی فر، عباس، *پرتقال، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، 1372.*

طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعه الثالثه، بیروت، مؤسسه الاعلمی*

للمطبوعات، 1393ق/1973.

عالیخانی، محمد، *حقوق اساسی، تهران، دستان، 1373.*

عوده، عبدالقادر، *حقوق جزای اسلامی، ج2، قاسمی، صابر، ترکیه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، 1374.*

- قرطبي، محمدبن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، الطبعة الثانية، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1372 / 1952.
- كتاب مقدس، ترجمة فاضل خان همداني، تهران، اساطير، 1380.
- متولي، احمد مصطفى، *الموسوعه الذهبية في اعجاز القرآن...*، الطبعة الأولى، قاهره، دار ابن الجوزي، 1426ق.
- محمدجعفر، علي، *نشأه القوانين و تطور ها*، الطبعة الأولى، بيروت، مجدالمؤسسسه الجامعيه، 1422هـ / 2002م.
- مظفري، محمدرضا، *اندونزي*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش8)، 1372.
- مسائلي، محمود، *مالزي*، چ2، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، (ش3)، 1373.
- منصوري، عزيز، *بلژيك*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه (ش59)، 1375.
- مجيري، احمدرضا، *پژوهشي در نظريه اعجاز تشريعي قرآن*، پايان نامه، قم، دانشكده اصول دين، 1385.
- نقيب زاده، احمد، *سياست و حكومت در اروپا*، تهران، سمت، 1372.
- نصيري، حسن، *اعجاز تشريعي قرآن*، پايان نامه، دانشگاه قم، (ش275)، 1379.